

دکتر می یانگ، مقدمه‌ای بر سوگواری کتاب مقدس جلسه ۱

من دکتر می یانگ هستم در تدریسش در مورد مقدمه‌ای بر سوگواری کتاب مقدس، جلسه اول

سلام، من می یانگ هستم و استادیار مطالعات کتاب مقدس در دانشگاه تیلور هستم. من عهد عتیق و همچنین برخی از دوره‌های مربوط به باورهای تاریخی مسیحی را تدریس می‌کنم.

و امروز می‌خواهم واقعاً در مورد موضوع سوگواری کتاب مقدس صحبت کنم. و چند درس خواهم داشت که به طور خاص به این موضوع می‌پردازند. اما می‌خواهم اینجا را با کمی تأمل شروع کنم، و سوالی که از شما دارم این است که چگونه با درد و رنج برخورد می‌کنید؟ بنابراین، وقتی به این فکر می‌کنیم که چگونه در یک دنیای ویران زندگی می‌کنیم، همیشه در اخبار درباره رنج و مصیبت و اتفاقاتی که در اطرافمان رخ می‌دهد، می‌بینیم و می‌شنویم.

چگونه می‌توانیم از برخی از درد، عدالت، افسردگی یا تردیدهایی که تجربه می‌کنیم، عبور کنیم؟ و من می‌خواهم چند لحظه به این فکر کنید که شما شخصاً در مورد این موضوعات چگونه فکر می‌کنید و با آنها چه می‌کنید؟ و همانطور که فکر می‌کنم، همانطور که شما در مورد آن فکر می‌کنید، فقط می‌خواهم برخی از راه‌های احتمالاً ممکن را که مردم در گذشته به آن پاسخ داده‌اند یا در مورد آن فکر کرده‌اند، و شاید برای شما نیز آشنا باشند، بیان کنم. و بنابراین گاهی اوقات وقتی مردم در مورد برخی از درد یا بی‌عدالتی یا چیزهایی که در اطراف ما اتفاق می‌افتد فکر می‌کنند، شاید نادیده گرفتن و امید به از بین رفتن آن وجود داشته باشد. این می‌تواند چیزی باشد، می‌دانید، بنابراین خیلی طاقت‌فرسا است.

بنابراین، انجامش آسان‌تر است. گزینه دیگر می‌تواند این باشد که آن را به اشتراک بگذاریم، در موردش صحبت کنیم و با یک دوست آن را پردازش کنیم. یا می‌توانیم واقعاً حواس خودمان را پرت کنیم یا خودمان را مشغول کنیم.

و بنابراین، ما لزوماً مجبور نیستیم با واقعیت چیزهایی که در اطرافمان اتفاق می‌افتد روبرو شویم. و بنابراین ما فقط خودمان را مشغول می‌کنیم تا وقت نداشته باشیم که واقعاً بنشینیم و به این چیزها فکر کنیم. یا می‌توانیم وانمود کنیم که همه چیز خوب است.

بنابراین در اینجا چیزی شبیه به نادیده گرفتن آن است، اما در واقع وانمود می‌کنیم که همه چیز واقعاً خوب پیش می‌رود. یا گزینه دیگر این است که سعی کنیم آن را بی‌حس کنیم. و این احتمالاً یک روش بسیار ناسالم برای انجام این کار از طریق عادت‌های خود تخریبی است.

می‌دانید، گاهی اوقات مردم ممکن است به الکل یا مواد مخدر یا روش‌های دیگری برای تسکین دردی که در اطرافشان وجود دارد، روی بیاورند. بنابراین، وقتی به این فکر می‌کنیم، این اقدامات یا، می‌دانید، این بی‌عملی‌های احتمالی ممکن است تسکین موقت ایجاد کنند. و بنابراین، اما من فکر می‌کنم که باید راه بهتری وجود داشته باشد و باید راه بهتری وجود داشته باشد و اینکه چگونه از آن عبور کنیم، زیرا ما در جهانی پر از رنج زندگی می‌کنیم، که با آزمایش‌هایی روبرو می‌شویم، که چیزهایی در اطراف ما به این شکل اتفاق می‌افتد.

و بخشی از این موضوع به تفکر و تعمق مربوط می‌شود، به همین دلیل تصمیم گرفتم کتابی با عنوان «قدم منتشر شده است InterVarsity زدن با خدا در میان دره» بنویسم. و این کتاب توسط انتشارات دانشگاهی

و دلیل اینکه این کار را انجام دادم، به تفکر و تعمق مربوط می‌شد، وقتی در کلیسا بزرگ می‌شدم، لزوماً چیز زیادی در مورد این موضوع نمی‌شنیدم.

وقتی به موضوع سوگواری فکر می‌کنیم، خوشبختانه، موضوع سوگواری مورد توجه قرار گرفته است، شاید به دلیل چیزهایی که در این دنیا با آنها روبرو بوده‌ایم، مانند مقابله با یک بیماری همه‌گیر، حتی پس از آن، و جنگ‌ها و چیزهایی که همین الان در جهان اتفاق می‌افتد. بنابراین، کاری که می‌خواهم در سخنرانی‌مان، در درس‌مان، انجام دهم این است که کمی بیشتر در مورد سوگواری کتاب مقدس یاد بگیرم. می‌دانید، چیست، و کمی در مورد اینکه چگونه کمی متفاوت از چیزی است که شاید وقتی به موضوع سوگواری به طور کلی فکر می‌کنیم، به طور کلی، به آن فکر می‌کنیم، صحبت کنیم.

بنابراین، سوگواری کتاب مقدس چیست و چرا مهم است؟ و برای شروع، می‌خواهم اینجا بگویم که من معتقدم مفهوم و عمل سوگواری کتاب مقدس فراتر از درک عمومی از صرفاً بیان واقعیت رنج است. بنابراین، در اینجا، وقتی به مفهوم کلی سوگواری فکر می‌کنیم، صرفاً به بیان واقعیت رنج فکر می‌کنیم. ما فقط به غمگین بودن یا، می‌دانید، کنار آمدن با درد یا چگونگی وقوع آن فکر می‌کنیم؟ اما من فکر می‌کنم سوگواری کتاب مقدس در واقع کمی متفاوت است زیرا عملی از روی ایمان است.

این یک عمل ایمانی است که در آن ما صادقانه با رنج، بی‌عدالتی و خشم خود به درگاه خدا فریاد می‌زنیم. و در اینجا خدا را به مبارزه خود دعوت می‌کنیم. بنابراین در اینجا در واقع به خدا روی می‌آوریم، او را به مبارزه خود دعوت می‌کنیم و به ما کمک می‌کنیم تا به مردمی مقاوم تبدیل شویم.

و بنابراین، در اینجا از طریق سوگواری‌مان، ما در واقع در مسیر تاب‌آوری و التیام بیشتر در قلب‌هایمان به این طریق هستیم. و بنابراین این فقط نوعی ابراز درد و رنج یا احساس غم نیست. در واقع عملی از روی ایمان است که ما را به امیدی بزرگتر در این معنا می‌رساند.

و بنابراین آنچه در کتاب مقدس می‌یابیم این است که کتاب مقدس نمونه‌هایی از سوگواری را به ما ارائه می‌دهد. بنابراین، دعا‌های سوگواری زیادی برای مواقعی وجود دارد که با شک یا بی‌عدالتی یا درد یا مشکلاتی که در اطراف ما وجود دارد، روبرو می‌شویم. بنابراین، برخی از دعا‌های سوگواری که می‌توانیم پیدا کنیم، به ویژه در کتاب مزامیر هستند.

در واقع، در کتاب مزامیر، متوجه می‌شوید که یک سوم مزامیر، مزامیر سوگواری در این نوع ژانر هستند. و ما کمی بعد در مورد آن صحبت خواهیم کرد. کتاب ایوب نیز در اینجا عبارات سوگواری دارد، زیرا ایوب از آنچه در موقعیت شخصی خود برایش اتفاق افتاده است، سوگواری می‌کند.

انبیاء در واقع مرثیه‌های زیادی هم دارند. و بنابراین، مرثیه‌هایی برای بی‌عدالتی که همه جا هست، گناه مردم، ملت‌هایی که علیه ملت اسرائیل و یهودا هستند. و بنابراین، مرثیه‌های زیادی از انبیاء و همچنین کتاب مرثیاتی آمده است.

و کتاب مرثیاتی در واقع در مورد زمان ویرانی اورشلیم توسط بابلی‌ها در سال ۵۸۶ قبل از میلاد نوشته شده است. و بنابراین، در اینجا، در نتیجه آن فاجعه، شما در کتاب مرثیاتی نیز در مورد آن تأمل دارید. و حتی در عهد جدید، می‌بینید که حتی فریاد عیسی از روی صلیب یک مرثیه است.

او در واقع از مزمور ۲۲ نقل قول می‌کند که در اینجا مزمور سوگواری است. و می‌دانید، به نوعی از آن استفاده می‌کند زیرا او اینجا بر روی صلیب است. و بنابراین، اینجا می‌بینیم که وقتی به دعاها و سوگواری‌هایی که در کتاب مقدس می‌یابیم فکر می‌کنیم، ارتباط زیادی وجود دارد.

و بنابراین وقتی اینجا به سوگواری فکر می‌کنیم، می‌خواهم اول بگویم که می‌توانیم ببینیم که سوگواری در کتاب مقدس در واقع یک ژانر است. و بنابراین، در مزامیر هم در واقع یک ژانر است. و بنابراین شما یک ژانر دارید که می‌دانید، به نوعی، می‌دانید، ما در مورد اهمیت ژانر چه می‌بینیم؟ ژانر دقیقاً چیست؟ پس چرا درک ژانر متن مهم است؟ و چرا من این کار را می‌کنم؟ می‌خواهم بحثمان را در این مورد ریشه‌یابی کنیم زیرا می‌خواهیم ببینیم وقتی در مورد موضوع سوگواری فکر می‌کنیم، چه چیزی از متن کتاب مقدس حاصل می‌شود.

و خب، ژانر اینجا چیست؟ و خب، ژانر، این فقط یک تعریف پایه است، در اینجا به دسته‌ای از آثار هنری، موسیقایی یا ادبی گفته می‌شود که با سبک، فرم یا محتوای خاصی مشخص می‌شوند. مثلاً مثال‌هایی مثل زندگی‌نامه‌ها، یا حتی دفترچه‌های راهنما و دستورالعمل‌ها را داریم. این یک ژانر خاص است، یا ژانر افسانه‌ها را داریم.

بنابراین، اگر بخواهم بگویم، می‌دانید، روزی روزگاری، شما واقعاً می‌دانید وقتی این کلمه را می‌گویم، با چه نوع ژانری روبرو خواهیم شد. و بنابراین، دلیلش این است که به ما کمک می‌کند تا آنچه را که می‌خوانیم، آنچه را که می‌شنویم، آنچه را که به آن نگاه می‌کنیم درک کنیم، تا بتوانیم آن را به درستی تفسیر کنیم و به آن شکل در موردش فکر کنیم. و بنابراین، اینجا، وقتی حتی به کتاب مزامیر فکر می‌کنیم، می‌دانید، چگونه آن را تفسیر می‌کنیم؟ چگونه به کتاب مزامیر به درستی نگاه می‌کنیم؟ و بنابراین شما اینجا هرمان گانکل را دارید.

او یک محقق منتقد فرم بود. او در سال ۱۹۲۶ تحلیلی از مزامیر انجام داد. و کاری که او انجام داد این بود که به مزامیر نگاه می‌کرد، آیا چیزی وجود داشت که به هم مرتبط باشد و شباهت‌هایی در برخی از مزامیر، از نظر فرم و ساختار و کلمات و موضوعات، پیدا کند.

و بنابراین در مشاهدات خود، متوجه شد که اشکال و ساختار عبارات مشابهی در خود مزامیر وجود دارد. و بنابراین تحلیل او در واقع مزامیر را بر اساس ژانرهای مختلف طبقه‌بندی کرد. بنابراین، کار او در واقع چهار ژانر اصلی را یافت.

از زمان او تاکنون کارهای بسیار بیشتری انجام شده و در واقع بسیاری از زیرشاخه‌های این ژانر را شناسایی کرده است. بنابراین چهار موردی که او داشت مانند ستایش یا سرودهای مذهبی، شکرگزاری بود، سپس او سوگواری‌های فردی و همچنین سوگواری‌های جمعی یا شرکتی را نیز شناسایی کرد. بنابراین تمرکز ما واقعاً اینجا خواهد بود، بررسی سوگواری‌ها.

بنابراین، وقتی به این شکل به آن فکر می‌کنیم، هم سوگواری‌های فردی و هم سوگواری‌های جمعی یا شرکتی وجود دارد. بنابراین، وقتی به ژانر و نحوه تعیین آن فکر می‌کنیم، چه چیزی در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد تا حتی در مورد یک ژانر فکر کنیم. بنابراین، گانکل در اینجا می‌دید که آیا آنها یک محیط مشابه در زندگی داشته‌اند؟ بنابراین، در اینجا، آیا آنها از یک زمان، مکان یا نوع خاصی از موقعیت به این شکل برخاسته‌اند؟ آیا افکار، احساسات یا خلق و خوی مشترکی داشته‌اند که از آن ناشی می‌شود؟ آیا سبک و ساختار یا حتی ویژگی‌های ادبی مشابهی داشته‌اند که از این ژانرهای خاص ناشی می‌شود؟ بنابراین، با تعیین ژانر، می‌خواهیم مطمئن شویم که همیشه قطعی و بدون تغییر نیست.

گاهی اوقات ممکن است چیزی داشته باشید که به این ترتیب در چندین دسته مختلف قرار بگیرد. ما امروز هم این را پیدا می‌کنیم. می‌توانید بروید و یک فیلم تماشا کنید.

می‌تواند در ژانرهای اکشن و عاشقانه جای بگیرد، یا می‌تواند در ژانرهای مختلفی جای بگیرد. همیشه قرار نیست کاملاً مشخص باشد، و همیشه قرار نیست هر عنصری را که در یک ژانر خاص پیدا می‌کنید، به این شکل داشته باشد. اما با در نظر گرفتن این موارد، می‌خواهم در اینجا به دعاهای سوگواری فکر کنیم.

و چه چیزهایی مشاهده شد؟ می‌دانید، آیا آنها سبک‌ها یا ویژگی‌های خاص، ارتباطات یا انواع احساساتی را که در اینجا بیان می‌شوند، به اشتراک گذاشتند؟ اینکه ما آنها را اینجا در کتاب مزامیر می‌یابیم، و اینکه مرثیه‌ها آن را دارند. و بنابراین، اگرچه هر مرثیه متفاوت است، اما برخی از الگوها، اشکال و ساختارهای ادبی مشابه را به اشتراک می‌گذارند. و من فکر می‌کنم توجه به این نکته برای ما واقعاً مهم است.

بنابراین، وقتی اینجا به مزامیر نگاه می‌کنیم، وقتی مردم با درد دست و پنجه نرم می‌کنند، فقط ابراز احساسات خام نیست که وجود دارد، بلکه نوعی ساختار نیز وجود دارد. برخی از روش‌ها برای ما آموزنده هستند، حتی وقتی به این روش برای خودمان سوگواری می‌کنیم. بنابراین، می‌توانیم از این دعاهای سوگواری و این سوگواری به عنوان یک ژانر و دلیل اهمیت آن درس بگیریم.

من این را به این تشبیه می‌کنم که وقتی شاگردان عیسی به زندگی او نگاه کردند و متوجه شدند که او مرد دعا است، نزد عیسی آمدند و گفتند: «عیسی، به ما یاد بده که چگونه دعا کنیم.» و روشی که عیسی به آنها آموزش داد لزوماً این نبود که مثلاً فقط به پدر آسمانی خود دعا کنند و هر چه در دل دارند بگویند. عیسی این را نگفت.

عیسی در واقع دعای ربانی را به آنها داد. و اینجا او به آنها داد، می‌دانید، می‌دانید، بنابراین مطمئنم که احتمالاً موعظه‌ها یا آموزه‌های مختلفی را شنیده‌اید که در آنها مردم واقعاً به عناصر مختلف دعای ربانی نگاه کرده‌اند. و بنابراین جایی که آنها می‌گفتند، پدر ما که در آسمانی، می‌دانید، بنابراین خود آن عبارت اینجا این است، می‌دانید، خدا پدر ماست.

او فقط این خدای دور نیست، می‌دانید، بلکه او در آسمان‌هاست. او مانند پدر زمینی ما نیست. و بنابراین در اینجا نحوه تفکر ما در مورد اینکه خدا کیست را شکل می‌دهد، همانطور که در دعا به حضور او می‌آئیم.

و بنابراین اینجا خیلی آموزنده است. و گاهی اوقات مردم واقعاً دعای ربانی را همانطور که از بر است می‌خوانند، شما آن را با هم می‌خوانید، و آن را با هم تلاوت می‌کنید. و در مواقع دیگر، می‌توانید آن دعا را شخصی‌سازی کنید.

و بنابراین، با نگاه به عناصر مختلف، شخصی‌سازی آن برای استفاده روزانه، و اینکه چگونه می‌توانیم آن را نیز دعا کنیم. و بنابراین، من این را اینگونه تشبیه می‌کنم وقتی به عناصر سوگواری و دعاهای سوگواری فکر می‌کنیم. برخی از عناصری که معمولاً در این دعاها یافت می‌شوند چیستند؟ چگونه می‌توانیم آنها را برای خودمان، برای موقعیت‌های مختلف رنج و مشکلاتی که با آنها روبرو می‌شویم، شخصی‌سازی کنیم؟ کتاب مقدس در واقع این مثال‌ها را به ما می‌دهد، و خدا می‌داند که، می‌دانید، ما از طریق درد و رنج عبور خواهیم کرد. مشکلاتی وجود خواهد داشت که ما در اینجا با آنها روبرو خواهیم شد، حتی به عنوان مؤمنانی که به این روش و به نوعی آن را درک می‌کنند.

و بنابراین وقتی در اینجا به ژانر فکر می‌کنیم، دو نوع یا دو نوع اصلی سوگواری وجود دارد که من قبلاً تا حدودی آنها را شناسایی کرده‌ام. ما سوگواری‌های فردی و همچنین سوگواری‌های جمعی یا گروهی داریم. و بنابراین، در اینجا، چه عناصری در این موارد یافت می‌شود و چگونه می‌توانیم به این شکل در مورد آنها صحبت کنیم؟ و بنابراین برای سوگواری‌های فردی در اینجا، چیزی که متوجه می‌شویم این است که اغلب آنها ابراز غم یا اندوه می‌کنند.

بنابراین در اینجا آنها کاملاً بیانگر برخی از چیزهایی هستند که مزمورنویس با آن روبرو است، چه غم و اندوه باشد و چه اندوه، این نیاز را به خدا نشان می‌دهد تا نشان دهد که او می‌تواند آن را حل کند. و بنابراین در اینجا آنها به نوعی آن را به خدا می‌آورند و از خدا این حل و فصل را می‌خواهند. آنها تحت سلطه مضامین درد و بیماری و رنج هستند.

بنابراین، می‌دانید، بسیاری از اوقات، در مواجهه با چیزهایی که امروزه با آنها سر و کار داریم، واقعاً تغییری نکرده است. درد، رنج و بیماری که زندگی ما را آزار می‌دهد، زندگی مزامیرنویس و مردم کتاب مقدس را نیز آزار می‌دهد. و بنابراین تقریباً ۳۹ مرثیه جداگانه در کتاب مزامیر یافت می‌شود.

و بنابراین، اینجا فقط چند نمونه از آنها برای شما هستند. و مرثیه‌های فردی، تقریباً مانند عنوان، اغلب در مورد شخص خاص صحبت می‌کند. بنابراین، از مزامیر اول شخص مفرد زیادی استفاده می‌کند.

بنابراین شما اینجا «من» و «او» را دارید که بارها در مزامیر استفاده شده است. و بسیاری از آنها به صورت کلی بیان شده‌اند. و این از این نظر جالب است که آنها لزوماً برای یک موقعیت خاص نیستند، اگرچه مضامین خاصی دارند، اما به اندازه کافی کلی هستند که بتوانیم آن را شخصی‌سازی کنیم.

بنابراین، منظورم این است که گاهی اوقات ممکن است بخواهید مزامیر را بخوانید، همانطور که می‌دانید، همانطور که بسیاری از پدران روحانی کلیسا در طول سال‌ها این کار را انجام داده‌اند. اما می‌توانید آن را شخصی‌سازی کنید، به این معنا که موقعیت‌های خاصی را که ماهیت عمومی‌تری دارند، تشخیص دهید و آن را برای خودتان شخصی‌سازی کنید. و بنابراین، در اینجا، مردم می‌توانند از طریق این کار با مزامیرخوان همذات‌پنداری کنند.

بنابراین، وقتی به این مفهوم فکر می‌کنیم، می‌توانند در موقعیت‌های فیزیکی، معنوی و عاطفی نیز به کار روند. بنابراین، وقتی در مورد عناصر مشترک فکر می‌کنیم، می‌توانیم دریابیم که حدود پنج مورد وجود دارد که هنگام فکر کردن به آن شناسایی شده‌اند. و بنابراین کاری که معمولاً می‌خواهم اینجا انجام دهم این است که کمی در مورد این پنج مورد توضیح دهم.

و در واقع، بعداً در کتابم، در فصل‌های پنج تا ده، انواع مختلف سوگواری را ارائه می‌دهم و در مثال‌های خاص، این عناصر را بررسی می‌کنم. بنابراین، در اینجا سوگواری و تنهایی، سوگواری و شک، سوگواری و خشم را دارید. بنابراین، سوگواری فقط یک نوع احساس غم تک‌بعدی نیست.

اگرچه این [احساسات] وجود دارد و در آن گنجانده شده است، اما احساسات مختلف زیادی وجود دارد که ما با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم، و سوگواری می‌تواند به ما کمک کند تا از این طریق آنها را پردازش کنیم. بنابراین، در اینجا، در درس بعدی، در واقع یکی از روش‌های مختلف مزامیر و نحوه پردازش آن از طریق تنهایی را نیز بررسی خواهیم کرد. بنابراین، اما اول از همه، چیزی که اینجا داریم این است که عنصر اول، خطاب یا نیایش است.

و بنابراین اینجا، درست مانند دعای ربانی، موضوع درباره آمدن به سوی خداست. و بنابراین اینجا، این عنصر جایی است که به سوی خدا روی می‌آورد. این یک دعا است.

این فقط بیرون ریختن احساسات و عواطفمان به اتمسفر یا به کیهان یا حتی به خودمان نیست. این در واقع عملی از ایمان و روی آوردن به خدا از این طریق است. و بنابراین، این یک خطاب یا یک نیایش است.

خیلی وقت‌ها، خیلی ساده است. یه جورایی، می‌دونید، رو کردن به خدا و گفتن یهوه یا الوهیم، خدا، پدر من، یا ناجی من، یا صخره منه. بنابراین می‌تونید این رو اینجا در مزامیر و نحوه شروعش در دعا ببینید.

خیلی ساده است. این روی آوردن به خداست، صدا زدن به خدا، این نوع نیایش یا خطاب کردن است، تا بدانیم که این یک دعا است، نوعی صدا زدن به خدا به این شکل. سپس شما اینجا عنصر دوم را دارید که احتمالاً بخش جدایی‌ناپذیر یک مرثیه است.

بنابراین در اینجا، این یک مرثیه یا خودِ دادخواست است. و بنابراین در اینجا، بسیاری از اوقات می‌تواند شامل عناصری مانند اعتراف به گناه یا حتی ادعای بی‌گناهی باشد. بنابراین در اینجا، مزمن‌نویس به نوعی در حال انجام نوعی خوداندیشی، تشخیص گناه شخصی یا حتی تشخیص بی‌گناهی، نوعی داشتن دست‌های پاک در موقعیت‌های خاص است.

همچنین شکایاتی در مورد و به درگاه خدا وجود دارد که در این بخش نیز آمده است. بنابراین صحبت در مورد وضعیتی که مزمن‌نویس با آن دست و پنجه نرم می‌کند، چیزی است که ما در این عنصر دوم به آن می‌پردازیم. سپس این عنصر سوم را داریم که انگیزه‌ها نامیده می‌شود.

و بنابراین این مؤلفه دلایلی را برای عمل یا حرکت خدا به سمت عمل ارائه می‌دهد. بنابراین، در اینجا همانطور که مزمن‌نویس دعا می‌کند، همانطور که پیامبر دعا می‌کند، یا همانطور که آن شخص در کتاب مقدس در اینجا دعا می‌کند، انگیزه خدا برای عمل چیست؟ و بنابراین این عنصر در واقع درخواست را با آنچه مزمن‌نویس در مورد خدا و شخصیت او درست می‌داند، پیوند می‌دهد. و بنابراین، می‌دانید، چرا خدا باید عمل کند؟ و بنابراین در اینجا، این نوعی مزمن‌نویس است، یا آن را اینجا مطرح می‌کند، انگیزه‌های خدا در اینجا به این معنا.

سپس این عنصر چهارم را دارید که اعتراف به اعتماد یا اطمینان از شنیده شدن است. و بنابراین، می‌خواهم اینجا بگویم که این پنج عنصر در اینجا، که مشخصه مزامیر سوگواری و به ویژه بسیاری از سوگواری‌های فردی هستند، اگرچه برخی افراد می‌توانند آن را در مورد برخی سوگواری‌های جمعی نیز به کار ببرند. چیزی که اینجا می‌بینید این است که هر سوگواری هر پنج عنصر را نخواهد داشت.

گاهی اوقات یکی از عناصر را از دست می‌دهند، و همیشه هم به یک ترتیب نیستند، اما شما قادر خواهید بود آن را نیز شناسایی کنید. و می‌توانید این را در ادبیات نیز ببینید، حتی با انواع ژانرهای مختلف، می‌دانید چیزهای خاصی را خواهید دید که شناسایی می‌شوند، اما همیشه به این شکل و به صورت کلیشه‌ای و کلیشه‌ای نخواهد بود. و بنابراین، در اینجا، حتی با این، همانطور که در مورد این اعتراف به اعتماد یا اطمینان از شنیده شدن فکر می‌کنیم، هر مرثیه‌ای این ویژگی را نخواهد داشت.

بنابراین، شما اینجا، حتی در مزمن ۸۸، که احتمالاً تاریک‌ترین مزمن محسوب می‌شود، آن عنصر را در آن ندارید. و بنابراین از بعضی جهات، می‌دانید، این نوعی اطمینان‌بخش نیز هست. بنابراین، همیشه، می‌دانید حتی در مرثیه‌های ما، همیشه اینطور نخواهد بود که ما آن را اینجا می‌بینیم یا چگونه آن را پردازش می‌کنیم.

و مردم هنوز هم گاهی اوقات در حال ناله و زاری هستند و مسائل را به درگاه خدا مطرح می‌کنند. و این، اشکالی ندارد، حتی برای ما در دعاهايمان نیز همینطور است. و بنابراین، وقتی این [وضعیت] وجود دارد، مهم است زیرا نشانگر تغییر از ناله به امید است.

و به طور خاص‌تر، این نقطه عطفی است که از بی‌اعتمادی به مزمورنویس یا درون مزمورنویس به اعتماد تبدیل می‌شود. و بنابراین، بارها از طریق دستور زبان، از طریق واژگان مزمورنویس، به آن اشاره شده است. و بنابراین، در دستور زبان عبری، به آن واو مخالف می‌گویند.

در واقع اینجا به نوعی به عنوان یک ربط با، اما، یا اکنون ترجمه شده است، تقریباً همانطور که در کتاب مزامیر می‌بینید. و بنابراین در اینجا نمونه‌هایی را می‌بینید، و این نشان دهنده این گذار از سوگواری به نوع دیگری از گفتار است. بنابراین، به اعتراف به اعتماد یا اطمینان از شنیده شدن

خب، اما من به شما اعتماد دارم یا چیزی شبیه به آن، نوعی اعتراف در این مورد. و نکته جالب در مورد این عنصر خاص این است که همانطور که محققان به آن نگاه می‌کنند، می‌دانید، چگونه، چگونه این گذار اتفاق می‌افتد؟ گاهی اوقات ما در حال خواندن هستیم و ناگهان، می‌دانید، واقعاً صبح است و به موقعیت‌های تاریک فکر می‌کنیم، اما ناگهان این مزمورنویس یا مزمور با این نوع اعتراف به اعتماد منفجر می‌شود. مثلاً، این چگونه اتفاق می‌افتد؟ و نکته جالب اینجاست که محققان به روش‌های مختلف زیادی در مورد چگونگی وقوع اعتماد صحبت کرده‌اند.

آیا این یک وحی نجات بود؟ آیا چیزی بود که، می‌دانید، به آنها یادآوری می‌شد، و اینکه شخصیت خدا، همیشه به این شکل یکسان نیست. و من فکر می‌کنم این واقعاً اطمینان‌بخش است زیرا اینگونه است اینگونه است که زندگی گاهی اوقات کار می‌کند، حتی با دعا‌های خودمان. گاهی اوقات روشی که خدا ما را تشویق می‌کند از طریق روش‌هایی است که در گذشته کار کرده است یا از طریق کتاب مقدسی که به ذهن می‌آورد، یا، می‌دانید، چیزهای مختلفی که خدا انجام می‌دهد و تشویق به اشکال مختلف می‌آید.

این به ما کمک می‌کند تا قلب‌هایمان را تشویق کنیم و آن نوع دگرگونی، یا اعتماد یا اطمینان از شنیده شدن را به وجود آوریم. و من فکر می‌کنم این در واقع بازتابی از واقعیت است، حتی وقتی که ما این دعاها را در پیشگاه خدا به این شکل پردازش می‌کنیم. و سپس این آخرین مورد را دارید، که نذر ستایش است.

بنابراین، چون مزمورنویس اطمینان شنیده شدن یا تجربه‌هایی را احساس کرده است، اکنون می‌تواند نذر یا وعده ستایش بدهد. و بنابراین در اینجا می‌توانید برخی از چیزهایی را که می‌آید ببینید، می‌دانید، من هنوز او را، ستایش خواهم کرد یا می‌دانید، نوعی واژگان یا چیزهایی که به نوعی آن را منعکس می‌کنند. و بنابراین همانطور که اینجا گفتم، هر عنصر واحدی در تمام مرثیه‌های اینجا یافت نمی‌شود، اما این پنج عنصر مشترک را که به این شکل وجود دارند، پیدا می‌کنیم.

خب حالا می‌خواهم کمی در مورد اینکه چرا دعا و نیایش مهم هستند صحبت کنم. چرا فکر کردن به این موضوع و تأمل در مورد آن هنگام فکر کردن به این موضوع برای ما مهم است؟ و دوست دارم اینجا به این درک برگردم که برای التیام درد عاطفی، در واقع باید آن را به آگاهی خودآگاه خود دعوت کنیم. و من این نقل قول از برنامه ۱۲ قدیمی را دوست دارم. این شما هستید که باید آن را احساس کنید.

باید آن را حس کنی تا التیام پیدا کند، و گاهی اوقات، می‌دانید، ما نمی‌خواهیم آن را حس کنیم. ترجیح می‌دهیم که به این روش آن را پنهان کنیم، اما در اینجا ما آن را به آگاهی خودآگاه خود می‌آوریم تا التیام یابد و بعداً کمی در مورد این هم صحبت خواهم کرد، وقتی در مورد هدف متفاوت سوگواری اینجا صحبت می‌کنیم، اما، می‌دانید، ما نمی‌خواهیم احساسات خود را بی‌حس یا سرکوب یا انکار کنیم.

می‌دونی، اغلب اوقات ما تو قاطی کردن وسایلمون خیلی خوب عمل می‌کنیم. خب. پس ترجیح می‌دیم به این موضوع نپردازیم، و ترجیح می‌دیم از این نظر هم بی‌خیالش بشیم.

خب، بعضی از ما آنقدر در انکار درد عاطفی مهارت پیدا کرده‌ایم که می‌توانیم در زندگی مان عملکرد خوبی داشته باشیم. و خب، اتفاقات زیادی در زندگی مان می‌افتد. و خب، ما به نوعی، آن را کنار می‌گذاریم تا بتوانیم عملکرد خوبی داشته باشیم، و ناخودآگاه یاد گرفته‌ایم که چگونه درد را از خود دور نگه داریم تا بتوانیم زندگی روزمره مان را به نوعی متعادل کنیم.

بنابراین اینجا ما وقت نداریم که حواسمان به احساسات و عواطفمان پرت شود. ما باید، می‌دانید، راهی برای کنار آمدن با زندگی و نوعی تعادل داشته باشیم. با این حال، با انجام این کار، گاهی اوقات این عدم تعادل انرژی را در زندگی و همچنین در قلب‌هایمان ایجاد کرده‌ایم.

و ممکن است حتی متوجه این موضوع نباشیم که این اتفاق می‌افتد، اما تنها آگاهی ما ممکن است این حس ناامیدی باشد. ما نمی‌دانیم چرا خودمان را احساس نمی‌کنیم. ما نوعی احساس ناامیدی داریم و زندگی خود را با منابع درونی محدود می‌گذرانیم و دائماً به دنبال چیزی خارج از خودمان هستیم تا ما را اصلاح کند.

و بنابراین این چیزی است که ما حتی آن را تشخیص نمی‌دهیم. و، اما اینها برخی از نشانه‌هایی هستند که شاید ما با برخی از چیزهایی که در قلبمان هستند به این شکل برخورد نمی‌کنیم. و بنابراین تا زمانی که واقعاً با درد خود روبرو نشویم و واقعاً با آن به این شکل کنار نیاییم، شفای واقعی پیدا نخواهیم کرد.

و بنابراین فکر می‌کنم اینجا، اغلب اوقات ما درد را پنهان می‌کنیم تا ماسکی روی صورتمان بگذاریم. و بنابراین اینجا، می‌دانید، با اینکه با خیلی از مسائل درونی مان دست و پنجه نرم می‌کنیم، وقتی با دنیا به این شکل روبرو می‌شویم، ماسکی به صورتمان می‌زنیم و فکر می‌کنیم نادیده گرفتن درد در واقع باعث می‌شود که از بین برو. بنابراین، اگر وانمود نکنیم که آنجا نیست، اینجا هم از بین خواهد رفت.

فکر می‌کنم خیلی وقت‌ها ما همین کار را با سلامتی مان هم می‌کنیم. می‌دانیم که مسائل خاصی در رابطه با سلامتی مان وجود دارد که باید با آنها دست و پنجه نرم کنیم. و فکر می‌کنیم بدون پرداختن به آنها، آن را نادیده می‌گیریم.

ما فکر می‌کنیم که این [احساسات] از بین خواهد رفت، اما متوجه نیستیم که این روش، مشکلات را حل نخواهد کرد، چه درد عاطفی باشد و چه حتی درد جسمی. و گاهی اوقات وقتی این کار را می‌کنیم، وقتی وانمود می‌کنیم که آن درد وجود ندارد، اوضاع را برای ما بدتر می‌کند. و بنابراین در واقع یک نوع مطالعه منتشر شده در اینجا در علوم اجتماعی، روانشناسی و شخصیت وجود دارد که نشان می‌دهد وقتی احساسات خود را سرکوب می‌کنید، در واقع می‌تواند افراد را پرخاشگرتر کند.

بنابراین آنها در واقع یک مطالعه انجام دادند، از برخی از شرکت‌کنندگان خواستند که هنگام تماشای صحنه‌های آزاردهنده در یک فیلم، احساسات خود را سرکوب کنند. و آنها یک گروه داشتند که نمی‌توانستند احساسات خود را ابراز کنند و مجبور بودند احساسات خود را سرکوب کنند. و سپس گروه دیگری داشتند که اجازه داشتند احساسات خود را نشان دهند.

و بنابراین، در اینجا، افرادی که به آنها اجازه داده شد احساسات خود را نشان دهند، در واقع پس از آن کمتر پرخاشگر بودند. کسانی که نتوانستند با آن کنار بیایند، متوجه شدند که در موقعیت‌های خاص، از نظر احساسی واکنش پرخاشگرانه‌تری نسبت به آنچه که باید، نشان می‌دهند. بنابراین، در اینجا یک روانشناس بالینی به نام ویکتوریا ترات را داریم که در مورد این موضوع اینگونه اظهار نظر می‌کند.

این می‌گوید، بنابراین او دارد مثالی از زندگی روزمره می‌زند. مثلاً، می‌توان گفت که ممکن است از دست برادران عصبانی باشید، و بعد از اینکه در خشم خود فرو خوردید و چیزی نگفتید، می‌توانید یک طغیان

عاطفی را تشویق کنید. بنابراین، وقتی چند هفته بعد در حال رانندگی هستید و کسی راه شما را می‌بندد، تمام خشم جاده‌ای شما را فرا می‌گیرد و باعث تصادف می‌شود.

و آن انفجار و آن واکنش بیش از حد به یک موقعیت، روش بدن شما برای آزاد کردن آن احساسات فروخورده است. و خب، می‌دانید، آیا تا به حال به یک موقعیت خاص، بیش از حد واکنش نشان داده‌اید؟ شاید، می‌دانید، فرزندانان کوچک هستند و آنها، می‌دانید، کمی سرکش هستند و ناگهان احساسات یا خشم فروخورده‌ای دارید که می‌تواند از کار یا موقعیت‌های دیگر ناشی شود. و سپس متوجه می‌شوید که نسبت به نحوه واکنش فرزندانان به چیزهای خاص، بیش از حد واکنش نشان می‌دهید.

و بنابراین شما این احساسات سرکوب‌شده را دارید، و حالا به نوعی آن را بیرون می‌ریزید و به موقعیت‌های خاص واکنش بیش از حد نشان می‌دهید. بنابراین گاهی اوقات چیزی که می‌توانیم اینجا ببینیم این است که احساسات ما، وقتی سعی می‌کنیم آنها را سرکوب کنیم، در واقع به روش‌های دیگر و اشکال دیگری بیرون می‌آیند که می‌توانند برای ما نیز مضر باشند، و اینکه چگونه با این چیزها برخورد می‌کنیم. آن لاموت، در موارد زیر را می‌گوید، Traveling Mercy، کتاب پرفروش ملی خود.

او می‌گوید: «در تمام آن سال‌ها فریب این دروغ بزرگ کاخ را خوردم که غم و اندوه باید هر چه سریع‌تر و به طور خصوصی برطرف شود. اما چیزی که از آن زمان کشف کردم این است که ترس مادام‌العمر از غم و اندوه، ما را در مکانی بی‌حاصل و منزوی نگه می‌دارد و تنها سوگواری می‌تواند غم و اندوه را التیام بخشد. گذشت زمان شدت آن را کاهش می‌دهد، اما زمان به تنهایی و بدون تجربه مستقیم غم و اندوه، آن را التیام نمی‌دهد.»

و خب، اینجا، یه جورایی، می‌دونید، چطور می‌تونیم اینجا شفا ایجاد کنیم؟ چطور می‌تونیم این چیزها رو ابراز کنیم تا اینجا پیشرفت کنیم، به جای اینکه، می‌دونید، بذاریم تو حس و حال خودمون گیر بیفتیم. و خب اینجا جاییه که، می‌دونید، باید تشخیص بدیم که ما ربات نیستیم. خدا ما رو برای ربات بودن نیافریده.

ما انسان‌هایی هستیم که واقعاً احساسات داریم، که در واقع عناصر عاطفی، معنوی و عقلانی را در خود جای داده‌ایم، همانطور که در موردش فکر می‌کنیم. و بنابراین او از ما انتظار ندارد که احساساتمان را سرکوب کنیم، زیرا او ما را با احساسات آفریده است. ما اینجا نیستیم که، همانطور که در موردش فکر می‌کنیم، به نوعی رواقی باشیم.

و خب، در واقع، سوالی که می‌خواهم پرسم این است که، می‌دانید، آیا سعی می‌کنید از درد خود اجتناب کنید یا آن را سرکوب کنید؟ می‌دانید، چرا یا چرا نه، اگر نه، چگونه به خودتان اجازه می‌دهید درد خود را احساس کنید؟ و این چیزی است که باید در اینجا در نظر گرفته شود. می‌دانید، آیا اغلب درد خود را سرکوب می‌کنید، یا به خودتان اجازه می‌دهید که با برخی از چیزهایی که در قلب خود دارید نیز مقابله کنید؟ و بنابراین برای تجربه بهبودی باید با درد خود صادق باشیم. و بنابراین ما موجودات کاملی هستیم، نه فقط موجودات منطقی، جسمی یا عاطفی، بلکه در واقع موجودات کاملی با تمام این جنبه‌ها در زندگی خود هستیم.

و بنابراین اگر با درد خود کنار نیاییم، در واقع به طرق مختلف بروز خواهد کرد. و بنابراین ما آن را نیز دیدیم. در اینجا مطالعه دیگری وجود دارد که می‌گوید اگر با درد عاطفی خود کنار نیاییم، در واقع می‌تواند اثرات نامطلوبی بر سلامت ما داشته باشد.

مطالعات متعددی نشان داده‌اند افرادی که به طور مزمن احساسات خود را سرکوب می‌کنند، ممکن است بیشتر از افرادی که احساسات خود را ابراز می‌کنند، مستعد ابتلا به بیماری باشند. آنها همچنین دریافتند که

سرکوب احساسات منجر به افزایش واکنش‌پذیری فیزیولوژیکی می‌شود که فرد را در برابر بیماری آسیب‌پذیر می‌کند. و بنابراین، شما در اینجا چندین مطالعه دارید که این موضوع را نشان می‌دهند.

و بنابراین تشخیص اینکه ما یک انسان کامل هستیم. بنابراین، اگر با احساسات خود سر و کار نداشته باشیم، این موضوع بر سلامت ما نیز تأثیر خواهد گذاشت. در سال ۲۰۱۳، مطالعه‌ای توسط دانشکده بهداشت عمومی هاروارد و دانشگاه روچستر نشان داد افرادی که احساسات خود را سرکوب می‌کنند، احتمال مرگ زودرس ناشی از همه علل را بیش از ۳۰ درصد افزایش می‌دهند و خطر ابتلا به سرطان در آنها ۷۰ درصد افزایش می‌یابد.

منظورم این است که این موضوع اینجا خیلی مهم است، وقتی مردم اینجا، حتی با درد عاطفی‌شان، سر و کار ندارند، این درد عواقب جسمی هم دارد. و خب، اینجا هم می‌خواهم بگویم، تشخیص اینکه سوگواری یک عمل ایمانی است. و خب، این، می‌دانید، نوعی تشخیص این است که چرا سوگواری مهم است؟ چون یک عمل ایمانی است.

بنابراین، در اینجا، ایمان به خدا وجود دارد. و بنابراین، در اینجا، خدا می‌تواند درد ما را درمان کند. بنابراین، در اینجا، وقتی به حضور خدا می‌رویم و این را ابراز می‌کنیم، در حال سوگواری و روی آوردن به خدا هستیم نه اینکه از او روی بگردانیم.

بنابراین بسیاری از مواقع وقتی مردم درد خود را ابراز می‌کنند یا با درد دست و پنجه نرم می‌کنند، می‌خواهند به نوعی خود را پنهان کنند یا گوشه‌نشین شوند یا به نوعی از مردم و همچنین از خود خدا فاصله بگیرند. بنابراین، در اینجا، وقتی ما سوگواری می‌کنیم، در قلب خود به نوعی مقاومت می‌کنیم تا بخواهیم از مردم و از خدا دور شویم و در واقع به خدا روی آوریم، به این ترتیب در مواقع سختی به او روی می‌آوریم. و نکته دیگری که باید در اینجا به خاطر داشته باشیم این است که ما فقط به کسانی که به ما نزدیک‌تر هستند اجازه می‌دهیم افکار واقعی ما را بدانند.

و خب، اینجا هم این مهم است. بنابراین، وقتی اینجا ابراز تاسف می‌کنیم، در واقع داریم نشان می‌دهیم که به این رابطه نزدیکمان، به این رابطه مبتنی بر عهد و پیمانی که با خدا داریم، اعتقاد داریم و به او اجازه می‌دهیم درد ما را اینجا ببیند. چون، می‌دانید، خیلی وقت‌ها، چیزی که ما در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌کنیم این است که مردم را خیلی خوب نمی‌شناسیم.

بنابراین، ما قرار نیست احساسات واقعی خود را به آن معنا بروز دهیم. و بنابراین، اینجا جایی است که ما واقعاً باید احساسات واقعی خود را ابراز کنیم. و خدا می‌خواهد که ما دردها، بارها و غم‌هایمان را به او بگوییم.

او می‌خواهد که ما بار دل‌هایمان را به او بسپاریم. و به همین دلیل است که کتاب مقدس می‌گوید، می‌دانید برای من مشترک است، همه کسانی که خسته و درمانده هستند، می‌دانید، و بار سنگینی بر دوش دارند. و بنابراین خداوند در واقع ما را از این طریق دعوت می‌کند.

تحقیقات همچنین نشان داده است که سرکوب احساسات، ارتباط درون آن رابطه را به خوبی قطع می‌کند. و بنابراین، این مطالعه توسط جیمز گراس در دانشگاه استنفورد در مورد چگونگی، وقتی احساسات را سرکوب می‌کنید، ارتباط درون آن رابطه را قطع می‌کنید. احتمالاً این را اینجا می‌بینید، حتی در رابطه خودتان با افراد.

وقتی شما در حال خاموش شدن هستید، وقتی احساسات خود را سرکوب می‌کنید و با همسر یا دوستانتان به آن نمی‌پردازید، در واقع، بارها و بارها، خود را از آن افراد نیز جدا می‌کنید. و بنابراین این فقط در سطح مردم

و، می‌دانید، افراد اینجا اتفاق نمی‌افتد، بلکه می‌تواند در رابطه ما با خدا نیز اتفاق بیفتد. بنابراین، همانطور که ما احساسات خود را سرکوب می‌کنیم، به نوعی، می‌دانید، احساسات خود را خاموش می‌کنیم.

ما در واقع اینجا ارتباط را قطع می‌کنیم، حتی با خدا به آن معنا. و بنابراین وقتی با خدا صادق نیستیم، در نهایت خودمان را از او نیز بیگانه می‌کنیم. و بنابراین گاهی اوقات وقتی مردم دوران سختی را پشت سر می‌گذارند و می‌خواهند به خودشان پناه ببرند، حتی درد خود را به خدا ابراز نمی‌کنند.

آنها گاهی اوقات به جایی می‌رسند که حتی دعا کردن را به کلی متوقف می‌کنند یا حتی رفتن به کلیسا را متوقف می‌کنند، زیرا از دست خدا عصبانی هستند. بنابراین، اینجا نوعی خاموش کردن آن احساس است. و بنابراین سوگواری به نوعی به ما کمک می‌کند که این کار را نکنیم، آن را خاموش نکنیم، بلکه آن نوع ارتباط را باز نگه داریم.

بنابراین، ما باید ایمان داشته باشیم که با صداقت و درد خود در حضور خدا حاضر شویم، همانطور که در مورد آن فکر می‌کنیم. بنابراین، خدا درد ما را می‌داند و می‌بیند. چرا ما او را به این معنا نادیده می‌گیریم؟ و بنابراین در اینجا، نوعی آمدن، تشخیص اینکه این موضوع در اینجا نیز مهم است.

و سوم اینکه، در اینجا، به یاد داشته باشید که خدا می‌خواهد ما در دعاهايمان با او صادق باشیم. و بنابراین وقتی اینجا دعا می‌کنیم، دعاهاى ما فقط تکراری یا مکانیکی یا خیلی کلی نیستند. بلکه صداقت با خدا درس مهمی است که می‌توانیم از مزامیر بیاموزیم.

بنابراین، در اینجا دنیل هیز را داریم که می‌گوید یک مزمورنویس دقیقاً به خدا می‌گوید که چه احساسی دارد و اغلب این حرف خیلی روحانی یا بالغانه به نظر نمی‌رسد. مسیحیان امروزی تمایل دارند یکدیگر را تحت فشار قرار دهند تا هرگونه ابراز احساسات در مورد خدا را سرکوب کنند.

الگوی مسیحی برای بسیاری، الگوی سخت‌گیرانه‌ی اسپاک در پیش‌تازان فضا است. بنابراین، ما اینجا نمی‌خواهیم مثل اسپاک باشیم، یعنی احساساتمان را اینجا و حتی در دعاهايمان نگه داریم، بلکه می‌خواهیم یاد بگیریم که به این شکل صادق باشیم. و بنابراین، یک تأمل شخصی که دوست دارم در موردش فکر کنید این است که، می‌دانید، دعاهاى شما چگونه به نظر می‌رسند؟ می‌دانید، آیا در دعاهايتان صادق هستید؟ آیا فقط کلمات را می‌گویید یا در دعاهايتان کلیات را بیان می‌کنید؟ دعاهايتان چقدر با خداوند صمیمی هستند؟ چقدر در تعامل با او، با درد و اتفاقاتی که در اطرافتان می‌افتد، صادق هستید؟ و بنابراین چیزی که باید از این طریق در موردش فکر کنید.

و حالا می‌خواهم به چند تصور غلط در مورد سوگواری پردازم. خب، چه چیزی سوگواری نیست؟ و وقتی به سوگواری کتاب مقدس فکر می‌کنیم، چه سوگواری، چه چیزی کتاب مقدسی است؟ چه چیزی در سوگواری کتاب مقدس نمی‌یابیم؟ و بنابراین، در اینجا، اول از همه، سوگواری ترجم به حال خود نیست.

فکر می‌کنم احتمالاً اینجا یک برداشت اشتباه وجود دارد. اینجا است که کلاوس وسترمن می‌گوید، حتی یک مرثیه هم وجود ندارد که با مرثیه‌خوانی متوقف شود. مرثیه‌خوانی به خودی خود هیچ معنایی ندارد.

آنچه که مرثیه به آن می‌پردازد، توصیف رنج خود یا ترجم به حال خود نیست، بلکه رفع خود رنج است. و بنابراین در اینجا نوعی نمایش است، نوعی از بالا بردن به سوی خدا، نوعی از بالا بردن موقعیت، اما همچنین درخواست از خدا برای ایجاد تغییر. بنابراین، مزامیر مرثیه، سفری پویا را به نمایش می‌گذارند.

این یک تصویر ثابت از ترحم به حال خود نیست. فقط غرق شدن در غم و اندوه نیست. و بنابراین این چیزی است که بسیاری از مردم فکر می‌کنند اینجا سوگواری است، اما سوگواری یک فرآیند است.

و در واقع، اینجا می‌بینید که مزامیر سوگواری، عبادت‌کننده را دعوت می‌کنند تا ناامیدی‌های خود را بیرون بریزد و احساسات خود را بروز دهد، اما زمانی فرا می‌رسد که باید به دنبال راهی برای خروج از این وضعیت بود. بنابراین، مزامیر به دنبال تغییر هستند و در نهایت بر اساس وعده هستند، نه بر اساس شک. وعده اینکه خدا کیست، وعده اینکه خدا چه کاری می‌تواند انجام دهد.

آنها اذعان می‌کنند که چیزی اشتباه است و تأیید می‌کنند که خدا می‌تواند آن را درست کند. و بنابراین، در اینجا، وقتی دوباره به آن فکر می‌کنیم، همه چیز به نوعی به این نتیجه می‌رسد که این واقعاً یک عمل ایمانی است که ما این چیزها را در مقابل خدا ابراز می‌کنیم. و دوم، در اینجا، سوگواری به معنای شکست نیست.

خب، این طرز فکر ماست. بعضی وقت‌ها از ترس قضاوت دیگران در کلیسا، یا حتی از خودمان، از صادق بودن می‌ترسیم، چون به این فکر می‌کنیم که آیا من به اندازه کافی روحانی نیستم؟ آیا من، می‌دانید، کسی هستم که با این سوالات یا این شک و تردیدها در ذهن خودم روبرو هستم؟ آیا این یک شکست است؟ می‌دانید، همه ما، و می‌دانید، این می‌تواند چیزی باشد که، می‌دانید، ما در کلیسا بزرگ شده‌ایم. می‌دانم وقتی در کلیسا بزرگ می‌شدم، اغلب فقط در مورد اینکه چگونه مردم، می‌دانید، پس از وقوع مشکلات بر آنها غلبه می‌کنند، می‌شنیدم.

بنابراین، شما شهادت‌های زیادی از چگونگی مبارزه مردم و سپس غلبه بر آنها دارید. و این داستان‌های زیادی بود که ما شنیدیم. و بنابراین، گاهی اوقات این موضوع، کسانی را که احساس می‌کنند، خب، چرا من غلبه نمی‌کنم، یا چرا اینقدر طول می‌کشد؟ آیا مشکلی با من وجود دارد؟ و بنابراین، در اینجا، ما نوعی بویایی بیشتر از این پیروزی را در کلیسا نیز ایجاد کرده‌ایم.

بنابراین، این جایی است که، می‌دانید، من این را در کتابم می‌گویم، اینجا جایی است که وقتی اصالت در کلیسا ترویج می‌شود، بسیاری نمی‌خواهند از ترس قضاوت و احساس تحقیر توسط دیگران آسیب‌پذیر باشند. برخی حتی اعتراف کرده‌اند که وقتی مشکل خود را ابراز کرده‌اند، پاسخ‌های ساده‌ای دریافت کرده‌اند و انتظار می‌رفته است که به موقع بر این مسائل غلبه کنند. متأسفانه، اتفاقی که در نهایت می‌افتد این است که وقتی مردم با شک یا سختی روبرو می‌شوند، آخرین جایی که می‌خواهند باشند، کلیسا است.

بسیاری حتی ایمان خود را رها کرده‌اند، زیرا شاهد عملکرد خدا یا نتیجه پیروزمندانه‌ای که دیگران به آن شهادت داده‌اند، نبوده‌اند. همچنین کسانی هستند که احساس می‌کنند غلبه بر مشکلاتشان بسیار بیشتر از دیگران طول می‌کشد و ناامید شده‌اند. این الگوی به اشتراک گذاشتن تجربیات باعث شده است که ما مشکلات خود را پنهان کنیم، زیرا می‌ترسیم که در ایمان ضعیف به نظر برسیم.

و بنابراین، در اینجا، قضاوت‌های اطرافیان ما اغلب ما را به سمت به تصویر کشیدن قدرتی مصنوعی سوق می‌دهد که خداوند هرگز ما را به نمایش آن فرا نخوانده است. کلیسا در عجله خود برای ابلاغ پیام پیروزمندانه عیسی، ناخواسته این پیام را رسانده است که تجربه فقدان، غم و اندوه، شکست است. و بنابراین در اینجا، ما نمی‌خواهیم به این موضوع پردازیم و تشخیص دهیم که، می‌دانید، اشکالی ندارد که رنج بکشیم.

اشکالی ندارد که حتی در کلیسا با شک و تردید یا درد یا چیزهایی از این قبیل دست و پنجه نرم کنیم. و این دقیقاً همان جایی است که باید با آن سر و کار داشته باشیم و آن را پردازش کنیم. و نکته سوم این است که شکایت و سوگواری اشکالی ندارد.

من بارها شنیده‌ام که مردم، می‌دانید، این سوال را دارند، مثلاً، خب، مگر شکایت کردن اشتباه نیست؟ منظورم این است که ما، می‌دانید، چطور قرار است با این موضوع برخورد کنیم؟ و نکته جالب اینجاست که تقریباً یک سوم آهنگ‌های سوگواری و مزامیر، در واقع شامل شکایتی از خدا هستند. این در اینجا بسیار غیرمعمول است. بنابراین، چگونه می‌توانیم این را در حالی که به شکایات فکر می‌کنیم و در دعاهایمان با آنها، تطبیق دهیم؟ آیا این اشتباه نیست؟ می‌دانید، آنها در واقع، در این آهنگ‌های سوگواری، از خشم خدا، بی‌تفاوتی او، طرد شدن او، فراموش کردن او و پنهان کردن چهره‌اش شکایت می‌کنند.

شما این مثال را اینجا دارید. چرا، ای خداوند، مرا طرد می‌کنی و روی خود را از من می‌پوشانی؟ و بنابراین، در اینجا، مزمورنویس صادق و واقعی است و در مورد احساساتش صادق است. ما همچنین در اینجا می‌بینیم که، می‌دانید، مرثیه‌ها نیز ممکن است این سؤالات صادقانه را از خدا مطرح کنند.

و بنابراین، در اینجا، پروردگارا، عشق بزرگ سابق که به آن به داوود سوگند وفاداری خوردی کجاست؟ و بنابراین، در اینجا، به نوعی این سؤالات را مطرح می‌کنم، سؤالات صادقانه از خدا به این شکل. بنابراین اینجا جایی است که می‌خواهم در مورد تفاوت بین شکایت و ناله در مقابل غر زدن و شکایت کردن صحبت کنم. و بنابراین، اینجا تفاوتی وجود دارد، و ما می‌خواهیم در اینجا تشخیص دهیم که یک تمایز مهم بین ناله و شکایت کردن و صرفاً غر زدن و شکایت کردن وجود دارد.

و بنابراین، اینجا، جایی است که در نسل بیابان، در خروج ۱۵ و ۱۷، و در اعداد، آنها محکوم شدند زیرا از رهبری و از خداوند به یکدیگر شکایت و گله می‌کردند. و بنابراین، این مهم است زیرا آنها، آنها به نوعی، اساساً لزوماً یک عمل ایمانی نبودند، اما در واقع آنچه را که واقعاً در مورد خدا و رهبرانشان فکر می‌کردند، از این طریق تثبیت می‌کردند. بنابراین، به عبارت دیگر، شکایات آنها دعا نبود.

آنها صرفاً با خود یا با یکدیگر غر می‌زدند. آنها افکار و دعا‌های خود را به حضور خدا نمی‌آوردند. این یک تمایز مهم بود زیرا شکایت از خدا نزد دیگران محکوم است، اما شکایت کردن نزد خداوند تشویق می‌شود.

و بنابراین در اینجا، غر زدن به دیگران فقط راهی برای بیان آنچه که آنها در مورد خدا حقیقت می‌دانستند بود. این یک گفتگوی دو طرفه نبود. در قالب مکالمه نبود.

این نوعی ارتباط با خدا نبود، بلکه تنها راهی برای ابراز نارضایتی‌ها و ناباوری‌هایشان نسبت به خدا به یکدیگر بود. و بنابراین، شما اینجا هستید، و همچنین تشخیص می‌دهید، این همان چیزی است که دکتر ترمپر لانگمن اینجا می‌گوید. او به درستی خاطرنشان می‌کند که در حالی که کسانی که سرکشی می‌کنند از خدا، به یکدیگر شکایت می‌کنند، مزامیرنویسان و ایوب ناله‌های خود را مستقیماً به خدا ابراز می‌کردند.

مورد دوم نشان می‌دهد که آنها از خدا ناامید نشده‌اند یا امید خود را به اینکه خدا در نهایت به دعاهایشان پاسخ خواهد داد، از دست نداده‌اند. ما باید بین ابراز دلسوزی به حال خود یا ناامیدی از دعاهایی که به سوی کسی که قدرت ایجاد تغییر را دارد، معطوف می‌شوند، تمایز قائل شویم. بنابراین، لازم نیست اینجا پنهان شویم؛ در اینجا به نوعی درباره حقوق صحبت می‌شود.

و بنابراین در اینجا ما می‌خواهیم کسانی که به ما نزدیک‌ترند احساسات واقعی خود را ابراز کنند، حتی اگر، شنیدن آنها خوشایند نباشد، زیرا این کار صمیمیت بیشتری را ترویج می‌دهد. و بنابراین، آوردن ناله‌ها، شکایات و درخواست‌های ما به درگاه خدا نیز به همین ترتیب عمل می‌کند. و چقدر مهربان هستید، می‌دانید می‌دانید، وقتی به نزدیکترین رابطه خود فکر می‌کنید، اگر نوعی تنش بین شما و دوست صمیمی یا همسرتان وجود دارد، می‌خواهید که آنها آن شکایت را با شما در میان بگذارند.

شما می‌خواهید که این گفتگو باشد. در واقع این کار باعث می‌شود نوعی صمیمیت. و بنابراین اینجا در مزامیر و دعا‌های سوگواری، خدا از ما می‌خواهد که به جای بستن همه چیز، این نوع صمیمیت را به او نشان دهیم تا ترویج شود.

چون خیلی وقت‌ها، وقتی به روابطتان فکر می‌کنید، اگر مشکلی وجود داشته باشد و حتی در آن روابط نزدیک به آن نپردازید، گاهی اوقات این باعث ایجاد شکاف هم می‌شود. و دانستن اینکه این کار آن نوع صمیمیتی را که می‌توانستید از آن طریق پیدا کنید، ترویج نمی‌دهد. بنابراین، می‌خواهم برگردم و بعد از پرداختن به برخی از چیزهایی که سوگواری نیست، کمی بیشتر در مورد سوگواری جمعی یا گروهی صحبت کنم.

و خب، این یکی، می‌دانید، نوع دیگری از ژانر است که به نوعی با بخش بیشتری از جامعه سروکار دارد، زمانی که جامعه، مثلاً، درد را به صورت جمعی بیان می‌کند. و خب، مرثیه‌های جمعی چیستند، و چرا وقتی به این شکل به این موضوع فکر می‌کنیم، مهم هستند؟ خب، اینجا، وقتی به مرثیه‌های جمعی فکر می‌کنیم، اغلب چیزی که در کتاب مزامیر می‌بینیم این است که آنها برای مواقعی نوشته شده‌اند که جامعه با هم در حال مبارزه است. و بنابراین، مواقع بحران ملی، بلایای طبیعی، شکست نظامی، چیزی که آنها به صورت جمعی در اینجا به عنوان یک ملت یا به عنوان یک گروه مردمی به این شکل احساس می‌کنند.

گاهی اوقات این نوحه‌ها در مراسم خاصی برای سوگواری در اینجا خوانده می‌شدند، به نوعی به صورت دسته جمعی خوانده می‌شدند. و تعداد نوحه‌های جمعی موجود از حدود ۱۲ تا ۲۳ متغیر است، از نظر نمونه‌هایی که نشان می‌دهد مردم چگونه این را ترسیم و دسته‌بندی می‌کنند. و برخی از چیزهایی که اینها را مشخص می‌کنند، می‌دانید، شرکتی یا جمعی، قطعاً در اینجا بیشتر از صیغه جمع اول شخص استفاده می‌کنند.

بنابراین در اینجا، به جای استفاده از من فردی، ما در مورد ما یا نوع جامعه‌مان صحبت می‌کنیم، و اینکه چگونه با این موضوع برخورد می‌کنیم. آنها همچنین در حالت دوم شخص مفرد نیز به کار می‌روند تا رابطه خدا با اسرائیل را یادآوری کنند. بنابراین، در این سوگواری‌های جمعی، در واقع، مستقیماً خدا را خطاب قرار می‌دهند و رابطه‌اش، رابطه عهدی‌اش با قومش را نیز به او یادآوری می‌کنند.

و بنابراین، اینجا، ای خدا، تو ما را طرد کردی و بر ما هجوم آوردی و خشمگین بودی. حالا ما را به حالت اول برگردان. و بنابراین اینجا، ما به نوعی مستقیماً با خدا از این طریق صحبت می‌کنیم.

و بنابراین، یکی از ویژگی‌های اصلی در سوگواری‌های دسته‌جمعی، این بازگویی تاریخ بین خدا و قومش است. بنابراین، بارها به روش‌هایی که خدا رهایی را به ارمغان آورده، تاریخ خدا و قومش، اعمال عظیمی که او به نمایندگی از مردم انجام داده است، اشاره می‌شود. و بسیاری از این موارد به نوعی به عنوان همان عنصر انگیزه‌بخش که قبلاً دیدیم، عمل می‌کنند.

بنابراین خدا را برای او انگیزه می‌دهد تا عمل کند و مردمش را برانگیزد، تا به نوعی رهایی را برای آنها نیز به ارمغان بیاورد. بنابراین، سوگواری‌های جمعی عموماً این پنج عنصر را که در اینجا می‌یابیم، به اشتراک می‌گذارند. باز هم، این خطاب به خدا، که در هر دو مورد مشترک است، می‌دانید، ای خدا، یا می‌دانید، نوعی هدایت، ما این دعا را به چه کسی هدایت می‌کنیم؟ و این نیز یک دعا است، به صورت جمعی به عنوان یک نهاد مشترک در اینجا.

سپس اظهارات یا سوالات اتهامی خطاب به خدا وجود دارد. بنابراین، بارها در اینجا کمی بیشتر از این شکایات یا این نوع اظهارات یا سوالات اتهامی را خواهید دید که از خدا مطرح می‌شوند. می‌دانید، چرا ما را برای همیشه طرد کرده‌اید؟ و سپس سوگواری برای بدبختی یا تجربه جامعه

گاهی اوقات، می‌دانید، ماهیت سیاسی دارد، چیزی شبیه به آنچه جامعه در اینجا با آن مواجه است. و سپس از یهوه درخواست می‌شود تا با این بدبختی مقابله کند. بنابراین، از خدا می‌خواهند کاری انجام دهد و به نوعی با آن مقابله کند و دلایل یا انگیزه‌هایی را برای اینکه خدا بر اساس آن عمل کند نیز بیان می‌کنند.

و همانطور که اینجا گفتم، قرار نیست همه این عناصر در هر سوگواری جمعی مشترک باشند، اما اینها فقط برخی از مواردی هستند که توسط محققان به عنوان آنچه که از این طریق می‌بینند، مشاهده شده‌اند. پس چرا سوگواری جمعی یا گروهی مهم است؟ من فکر می‌کنم اول به این دلیل که همه ما به طور جهانی درد را درک می‌کنیم. و بنابراین رنج و اندوه، گاهی اوقات غم و اندوه، از فرد فراتر می‌رود.

بنابراین، فقط ما به عنوان افراد این موارد را تجربه نمی‌کنیم. گاهی اوقات کل جامعه این موارد را تجربه می‌کند. و می‌دانید، گناه فقط ما را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

گاهی اوقات این بر کل جامعه و اطرافیان ما در اینجا تأثیر می‌گذارد. و بنابراین، اینطور نیست، بلکه فراتر از می‌دانید، فقط یک فرد یا فرهنگ یا نژاد است. و بنابراین، همه ما این احساسات را تجربه می‌کنیم، و گاهی اوقات موقعیت‌ها نه تنها بر ما، بلکه بر کل جامعه تأثیر می‌گذارند.

و آنچه در عهد جدید در اینجا می‌یابیم مهم است، زیرا ما به عنوان یک کلیسا، بدن مسیح را در اینجا در نظر می‌گیریم، همانطور که در اول قرن‌تایان آمده است که اگر یک بخش رنج ببرد، هر بخش با آن رنج می‌کشد. و بنابراین در اینجا، ایستادن در کنار برادران و خواهرانمان که با درد و رنج دست و پنجه نرم می‌کنند، مهم است. و کتاب مقدس ما را به انجام این کار، ایستادن و رنج کشیدن در کنار این امر فرا می‌خواند.

خب، به ضرب‌المثل سوئدی هست که فکر می‌کنم اینجا خیلی مفید باشد. می‌گه شادی مشترک، شادی مضاعفه و غم مشترک، نصف غم. خب، می‌دونید، این ضرب‌المثل چه ربطی به شما داره؟ به جور طرز فکره، می‌دونید، وقتی به شادی رو با بقیه به اشتراک می‌گذاریم، می‌خوایم با بقیه هم به اشتراک بذاریم چون در واقع شادی ما رو بیشتر می‌کنه.

این شادی ما را دو چندان می‌کند. و وقتی غم‌هایمان را با یکدیگر به اشتراک می‌گذاریم، به نوعی بارمان سبک‌تر می‌شود. ما کسی را داریم که آن بار را در کنار ما حمل می‌کند.

و بنابراین، در اینجا، با درک اهمیت سوگواری دسته جمعی، ما به این شکل در کنار برادران و خواهرانمان در مسیح می‌ایستیم. متأسفانه، امروز نمی‌دانیم چگونه با کسانی که رنج می‌برند همدردی کنیم. ای کاش می‌توانستیم به عنوان یک کلیسا وظیفه بهتری انجام دهیم.

ما نمی‌دانیم چگونه از دیگران حمایت کنیم. و شاید خیلی وقت‌ها، نگران زندگی خودمان هستیم و لزوماً کسانی را که در اطرافمان آسیب می‌بینند، نمی‌بینیم. و بنابراین، می‌دانید، ما عمداً این کارها را انجام نمی‌دهیم اما شاید آنقدر در خود غرق شده‌ایم یا به خودمان فکر می‌کنیم که واقعاً متوجه کسانی که در اطرافمان رنج می‌برند، نمی‌شویم.

و خب ، این سوال دوباره مطرح می شود که چرا وقتی مردم آسیب می بینند، آخرین جایی که می خواهند بروند کلیسا است؟ و خب، خیلی وقت ها، می شنوم که مردم می گویند، حس نمی کنم حال رفتن به کلیسا را داشته باشم .امروز برای کلیسا آماده ام .یعنی چه؟ مثلاً، آیا برای رفتن به کلیسا باید حتماً بیدار باشی؟ یا مثلاً وقتی آسیب می بینی و با کلی چیز سر و کار داری ، در درجه اول باید بیایی

،و بنابراین، این باید تغییر کند .بنابراین، ما باید افرادی باشیم که بتوانیم در کنار کسانی که رنج می برند ،باشیم و باید یاد بگیریم که گوش دهیم و در عدم قطعیت بنشینیم، از طریق این حضور در خدمت حقیقت و عشق را بیان کنیم .و بنابراین در اینجا، حتی اگر کلماتی برای گفتن ندارید، به نوعی حضور دارید تا بتوانید شاهد و ناظر درد برادران و خواهران خود باشید

و بنابراین، در اینجا، این فقط مقدمه ای کوتاه بر سوگواری کتاب مقدس است .و در درس بعدی، به مباحث دیگری نیز خواهیم پرداخت .این موارد در کتاب من مورد بحث قرار گرفته است

.متشکرم .من دکتر می یانگ هستم در تدریسش در مورد مقدمه ای بر سوگواری کتاب مقدس، جلسه اول